

## طول عمر نظام (2)

نویسنده: سید رضا حسینی نسب

اهمیت بحث " طول عمر دولتها " به حدی است که حکومت‌های قدرتمند جهان، سالانه مبالغ هنگفتی را جهت تحقیق و پژوهش برای شناخت راه‌های پیشگیری از فروپاشی نظام خود، صرف می‌کنند. در تاریخ آمده است که دولت عثمانی نیز که صدها سال بر مسند قدرت باقی ماند، به این مسأله اهتمام ویژه‌ای می‌ورزیده؛ و در این راستا، همه کارگزاران و مدیران دولت را موظف به خواندن کتاب " مقدمه ابن خلدون " می‌نموده است.

در یادداشت نخست، دیدگاه دانشمندان فلسفه تاریخ را در باره ماهیت دولت و طول عمر حکومتها، فرهنگها و تمدنها بیان کردیم. در آن گفتار، به عنوان مثال به نمونه‌ای از اقدام دولت آمریکا در جهت پیشگیری از فروپاشی آن حکومت که انتظارش می‌رود، اشاره داشتیم. اینک در ادامه بحث، نمونه‌ای از تلاش کشورهای اروپایی را نیز که به منظور افزایش طول عمر حکومت‌های سرمایه‌داری آن قاره صورت پذیرفته است، یاد آور می‌شویم:

### پیشگیری از سقوط نظام‌های سرمایه‌داری در اروپا

نخستین بحران نظام‌های سرمایه‌داری اروپا در سال 1873 میلادی رخ داد. "کارل مارکس" در تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی خود، پیشبینی کرده بود که دولتهای سرمایه‌دار در اروپا سقوط خواهند کرد و تولید انبوه و محدودیت بازار مصرف و تعارض میان منافع سرمایه‌دار و کارگر، زمینه را برای فروپاشی نظام‌های اروپایی فراهم خواهد کرد.

سران دولتهای اروپایی با احساس خطر مذکور و به منظور پیشگیری از سقوط زودرس دولتهای کاپیتالیستی خود، دست به اقدام‌های بنیادین برای بقاء خویش زدند. در اینجا به نمونه‌هایی از اقدام‌های حکومت‌های یاد شده اشاره می‌کنیم:

1- سرمایه‌گذاری وسیع در زمینه تحقیقات و صنایع مادر.

اهتمام ورزیدن به امر پژوهش و فناوری باعث شد تا اختراعات دوران سازی به وقوع بپیوندد. اختراع ماشین بخار، اتومبیل و امثال آن چهره اروپا را دگرگون ساخت. سرمایه گذاری در عرصه های اساسی کشور مانند شبکه راه آهن، توانست روح تازه ای در کالبد اقتصاد سرزمینهای یادشده بدمد.

2- تصرف سرزمینهای جدید و استثمار ثروتهای عظیم آن.

کشورهای اروپایی با هجوم به قاره آفریقا و تقسیم آن میان دولتهای اروپا و چپاول خیرات آن توانستند شکنندگی اقتصاد خود را که موجودیت آنها را تهدید می کرد جبران کنند.

3- استعمار کشورها و قبضه کردن بازار مصرف آنها.

دولتهای قدرتمند اروپایی با زیر سلطه قرار دادن بسیاری از کشورهای دیگر جهان، آنها را از پیشرفت در زمینه صنعت و فناوری باز داشتند و بدین وسیله، بازار مصرف کالاهای تولیدی خود را توسعه دادند. فشار فوق العاده کشورهای اروپایی و آمریکا بر کشورهایمانند ایران در مسائل اخیر نیز از همین قبیل می باشد.

4- همچنین دولتهای مذکور به منظور پیشگیری از قیامهای کارگری، سعی کردند حدّ اقل نیازمندی های زندگی کارگران و کارمندان و دیگر اقشار آسیب پذیر را تامین نمایند.

## مراحل زندگانی یک حکومت

اینک، پس از تبیین اهمیت بحث "طول عمر نظام" و اهتمام دولتهای بزرگ به این مسأله حیاتی، به شرح مراحل زندگی دولتها از دیدگاه دانشمندان فلسفه تاریخ اجتماعی می پردازیم:

## نظریه ابن خلدون

این دانشمند مسلمان در مقدمه کتاب تاریخ خود، مراحل حیات و زندگانی یک حکومت را از زمان تولد تا هنگام مرگ و فروپاشی آن، به پنج بخش تقسیم کرده است:

## مرحله اول :

در این مرحله، یک دولت پس از تولد و پیروزی بر حریف، به استحکام ارکان خود همت می‌گمارد و رئیس حکومت، با توجه به دیدگاه‌های خود و سایر همفکران و همپیمانان خویش، نظام مدیریتی کشور را طراحی و پیاده می‌کند. در این دوره، رهبر حکومت، اسوه و الگوی قوم خویش است و او نیز همفکری و همیاری با یاران خود را به اجرا می‌گذارد. همچنانکه قبل از پیروزی بر خصم، این همفکری و همکاری وجود داشته است.

## مرحله دوم :

در مرحله دوم، روح همفکری و همراهی با هم‌پیمانان پیشین از کالبد رهبر حکومت، رخت بر می‌بندد و نوعی استبداد به رأی در وجود او شکل می‌گیرد و به منظور حذف رقیبان و انحصار مملکت داری در نزدیکیان و خویشاوندان و حلقه تنگی از همفکران خود، دیگر همپیمانان قبلی خود را می‌راند و به یارگیری از افرادی دیگر می‌پردازد؛ و طبیعتاً در مسیر حذف رقیبان، متحمل رنجها و آسیبهایی نیز می‌شود.

## مرحله سوم :

در این مرحله، رهبران حکومت، بودجه و درآمدهای دولت و نظام دخل و خرجها را سامان می‌دهند و به پیشبینی مداخل و هزینه‌ها و اعمال صرفه‌جویی‌ها اهتمام می‌ورزند و به تقویت زیرساختها و گسترش اموری که موجب شهرت آن دولت شود می‌پردازند و آثار و بناهای عظیمی را که نشانگر مجد و عظمت آن باشد بنیانگذاری می‌کنند و به تقویت نیروهای نظامی و انتظامی و تامین رفاه حال آنان همت می‌گمارند تا آثار آن در ملابس و تجهیزات و مانورهای آنان ظاهر گردد و وجود آنان موجب فخر و مباهات دولتهای دوست و مسالمت‌جو و مایه بیم دولتهای معاند و مخالف شود. همچنین در این مرحله، سران و هیئتهای کشورهای دیگر و نیز رجال و اشراف ملت، به حضور رهبران حکومت بار می‌یابند و تفقد احوال آنها گسترش می‌یابد.

## مرحله چهارم :

در گام چهارم، رهبران نظام، درهای آشتی و مسالمت را به روی دیگران می گشایند و تجارب پیشینیان خود را ارج می نهند و در صدد بر می آیند تا کارهای اساسی قبلی آنان را ادامه دهند.

### **مرحله پنجم :**

در این مرحله، سردمداران حکومت به اسراف و تبذیر در هزینه کردن سرمایه های کشور رو می آورند و نورچشمی های آنان به عیش و عشرت و رانت خواری و فساد مالی مبتلا می شوند و مدیران نظام نیز، ولخرجی و تضییع بیت المال را پیشه خود می سازند.

همچنین در این برهه ، مسئولیتهای خطیر به دست مدیران نالایق و بی کفایت سپرده می شود که توانایی و شایستگی لازم را برای اداره آن امور ندارند. متقابلاً، مدیران توانمند و کارآمد به حاشیه رانده می شوند و آنان نیز از حمایت رهبری حکومت امتناع می ورزند و او را تنها می گذارند.

در این مرحله، پیری آن حکومت فرا می رسد و بیماری مزمنی بر آن مستولی می شود که دیگر نمی تواند از آن نجات یابد و به دنبال آن، بنیان حکومت مذکور فرو می پاشد.

این بود چکیده ای از سخنان یک دانشمند فلسفه تاریخ ، در زمینه دوره های پنچگانه و مراحل شکل گیری، قوت، بالندگی ، فرتوتی و زوال حکومتها.